جمع شدن روایت حرف واحد با روایت سبعة احرف در ذهن علماء شیعه

خب الآن فرمایش ایشان درست بود یا نبود؟ این هایی که گفتند روالش درست بود و در جایی از آن مشکلی ندارد. فرمودند: «المعروف من مذهب اهل البيت- عليهم السلام-: ان القرآن واحد نزل من عند واحد»، بعد گفتند که فقهای امامیه هم همه همین را میگویند. همه میگویند «ان القرآن حرف واحد». آیا شهید ثانی در این عبارتشان نگفتند؟ یعنی شهید ثانی از عقائد امامیه فاصله گرفتهاند؟ این را برای شما عرض میکنم:

شیخ صدوق عقائد الامامیه دارد. در عقائد الامامیه همین را آوردهاند: «ان القرآن واحد نزل من عند واحد علی نبی واحد». خب پس صدوق قائل به حرف واحد هستند؟ هستند. همه فقها قائل هستند یا نیستند؟ یعنی شهید ثانی در مقاصد العلیه از عقائد الامامیه فاصله گرفتهاند؟ هرگز. شهید هم قبول دارند که حرف واحد است. خب خود صدوق که در عقائد الامامیه این را فرمودهاند، در خصال یک باب باز میکنند؛ باب ان القرآن نزل علی سبعة احرف. خب یک نفر است که میگوید عقائدنا ان القرآن نزل علی حرف واحد، خودش هم دوباره یک باب باز میکند که القرآن نزل علی سبعة احرف. یعنی اینها یک جوری جمع میکردند. شما مطلب مسلم شیعه که حرف واحد است را میآوردی و بعد میگویی همه فقها این را گفتهاند، پس شهید تنها شدند. صاحب مفتاح الکرامه میگوید اکثر علماء ما که امامیه هستند و حرف واحد را قبول دارند، اما میگویند متواتر است.

میخواهم عرض کنم که شروع عبارت و مطلب ایشان درست بود، اما فقط روی حرف واحد تأکید کردند که شیعه وقتی میگوید حرف واحد، مقصودی داشتهاند. از این حرف درست نتیجه نمیشود که شهید تنها هستند. روی حرف صاحب مفتاح الکرامه شهید همراه اکثر هستند.

چون ایشان فرمودند «لم یشذ عنهم واحد»، تکرارهایی نیاز است که سر جایش بد نیست عرض کنم. ببینید خدمت شما سه آدرس داده بودم. از کتاب فقهای که اگر در جواهر بگردید دهها بار میگوید «عن رواندی فی فقه القرآن». یعنی یک کتاب مطرح فقهی است که مثل جواهر به آن زیاد ارجاع میدهد. سه آدرس عرض کرده بودم. عبارات آن را همه دارید. عباراتی است که همه روشن است. «و علی مذهبنا لا يحتاج إلى ذلك لأنا نعمل بالقراءتين[1]»، «و القراءتان إذا صحتا كانتا كآيتين يجب العمل بموجبهما إذا لم يكن نسخ[2]»، «و القراءتان إذا كانتا مجمعا على صحتهما كانتا كالآيتين يجب العمل بهما[3]». این عبارت سوم این است که منظور من است؛ این خیلی جالب است؛ در ذیل یکی آیه سه قرائت مطرح کردهاند و میگویند: «و القراءات الثلاث يجب العمل بها على الوجوه الثلاثة[4]»؛ بسیار فقیهانه. در همان ذیل «یطهرن» هم که قبلاً صحبت کردیم و نمی

خواهم تکرار کنم. در اینجا حتی سر سه قرائت صحبت می‌کنند. ایشان فقیه نیستند؟! حرف واحد را نشنیده بودند؟! از رئوس مذهب امامیه خبر نداشتند؟! خبر داشتند. صاحب وسائل در کتاب تواتر القرآن چه گفتند؟ فرمودند همانطوری که در مذهب امامیه وارد شده که حرف واحد است، در روایات امامیه این هم وارد شده که سبعة احرف است. این حرف صاحب وسائل است. حرف خیلی خوبی است. بعد هم شروع به جمع کردن کردند که جمع آن بحث علمی می‌شود.

بنابراین اینطور نیست که ما یکی را بگوییم حرف واحد است و خلاص، بعد هم شهید تنها شود. این فقیه بزرگ می‌گوید: «و القراءات الثلاث يجب العمل بها على الوجوه الثلاثة لأن القراءتين فصاعدا إذا صحت فالعمل بها واجب لأنها بمنزلة الآيتين»؛ ملک وحی دوبار آورده. چطور یک آیه را یک بار می‌آورد و این هم دوبار می‌آورد؟ ملک وحی دوبار آورده است. مثل این است که دو تا آیه مستقل از قرآن است. همان که ایشان گفتند مثل بیست قرآن است که در ظاهر اسم، منتسب به بیست راوی از عشرة است[5]؛ بنابراین اینکه بگوییم «لم یشذ منهم واحد» عبارتی است که متأسفانه فضایی که در مفاتح الکرامه بوده را نسیاً منسیاً می‌کند.

---

[1]فقه القرآن ج۱ ص۵۵

[2]همان

[3]همان ص۳۱۰

[4]همان ج۲ ص۲۵۵

[5] با این فرض که هر کدام از قراء عشره، دو راوی داشته باشند که می شود بیست روایت .

بازبینی #2
ایجاد شده 7 آوریل 2024 12:51:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2024 15:33:33 توسط ... .